

رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد

جنایت هنگام سرقت گردنبند

گروه حوادث: سه مرد سرور که هنگام سرقت گردنبند طلای یک مرد، او را به قتل رسانده بودند با تلاش کارآگاهان پلیس جنایی غرب استان تهران دستگیر شدند. سرهنگ بهروز کریم خانی رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران درباره آخرین پرونده کشف شده در دایره مبارزه با جرایم جنایی غرب استان تهران به «ایران» گفت: مدتی قبل به دنبال اعلام یک فقره زورگیری در یکی از خیابان‌های اندیشه خیلی زود گشت کلانتری در محل حضور یافت و با پیکر خونین مردی ۲۵ ساله روبه‌رو شدند.

مأموران کلانتری در نخستین تحقیقات دریافتند چهار سارق زورگیر با دو دستگاه موتورسیکلت هنگامی که مرد جوان در حال پیاده شدن از خودرواش بوده به طرف او رفته و گردنبند طلای او را می‌قاпند. مرد جوان نیز به تعقیب سارقان پرداخت اما یکی از آنها با ضربه‌های چاقووی را مجروح کرد و او محل گریختند که مرد مالباخته در اثر شدت جراحت در بیمارستان فوت کرد. با شروع تحقیقات پلیسی سرانجام هفته گذشته سه نفر از متهمان که حدود ۲۵ سال دارند، شناسایی و در مخفیگاه‌شان دستگیر شدند و متهم اصلی در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد.

مشکلات اقتصادی و فرهنگی بیشترین عامل وقوع جرم

رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران با بیان اینکه مهم‌ترین عوامل بروز جرایم بویژه سرقت و قتل مشکلات اقتصادی و فرهنگی است، افزود: جوانی که بیکار است و در دام اعتیاد نیز گرفتار شده برای تهیه پول و مواد مخدر دست به هر کاری می‌زند چنین افرادی برای تهیه پول مرتکب سرقت می‌شوند و وقتی مالباخته را مانع دستیابی به هدفشان ببینند با سلاح او را مجروح کرده و حتی به قتل می‌رسانند. از سوی دیگر مردی که مجبور است از صبح زود تا پاسی از شب برای تأمین نیازهای مالی خانواده‌اش کار کند وقتی آخر شب خسته و بی‌حوصله به خانه برمی‌گردد نه تنها توانی برای صحبت و گفت‌وگو با اعضای خانواده و فرزندان‌ش ندارد بلکه در چنین شرایطی کوچکترین تنش در خانواده می‌تواند به معضلی جبران‌ناپذیر تبدیل شود. فقر مالی و فرهنگی در کنار نبود محبت و توجه و مهارت‌آموزی و صبر مهم‌ترین دلایل وقوع جرم و جنایت است.

سرهنگ کریم خانی همچنین درباره اینکه شهرستان‌های شهریار و ملارد بیشترین جرایم را در بین ۶ شهرستان غرب استان تهران به خود اختصاص داده است، گفت: افزایش جمعیت و تنوع در قومیت‌های ساکن در این محدوده جغرافیایی، وجود باغ‌های زیاد در این مناطق و حضور معتادان متجاهر و کارتن خواب‌ها زمینه ارتکاب جرایم را بیشتر کرده و باعث افزایش سرقت‌های خرد در غرب استان تهران شده است. البته در سال جاری طبق آخرین آماری که پلیس غرب استان تهران ارائه کرده، ۲۰ درصد تماس‌های مردم درباره وقوع جرایم کاهش یافته است. همچنین ۶۰ درصد جرایم از سوی پلیس آگاهی کشف شده و اسامال نیز میزان کشف جرایم نسبت به سال گذشته ۶۶ درصد رشد داشته است.

یک کشته در انفجار جایگاه سوخت خیرآباد



گروه حوادث/ انفجار و تخریب ۸۰ درصدی جایگاه سوخت «سی‌ان‌جی» در نسیم شهریک کشته و یک زخمی بر جا گذاشت.

ایرج ترک‌مکانی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نسیم شهر (در جنوب غرب استان تهران)، با اشاره به انفجار جایگاه سوخت «سی‌ان‌جی» در محدوده خیرآباد نسیم شهر اظهار داشت: صبح دیروز با اعلام حادثه به فرمانده ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی نسیم شهر بلافاصله آتش‌نشانیان به محل حادثه اعزام شدند که با حضور نیروهای امدادی در محل مشخص شد در این جایگاه یک خودروی وانت پیکان و یک نیسان در حال سوخت‌گیری بودند که ناگهان مخزن گاز نیسان آتش گرفته و منفجر شده است و راننده وانت پیکان بر اثر انفجار مخزن جان خود را از دست داده است.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نسیم شهر با اشاره به آسیب‌های وارده گفت: در این حادثه یک نفر مصدوم شد و ۸۰ درصد جایگاه سوخت خیرآباد تخریب شده است. این جایگاه سوخت متعلق به بخش خصوصی بوده و در این آتش‌سوزی به مخزن اصلی جایگاه آسیبی وارد نشده است. همچنین یوسف نصیری، سرپرست شهرداری نسیم شهر گفت: مخزن گاز «سی‌ان‌جی» یک دستگاه خودروی نیسان در یکی از جایگاه‌های عرضه سوخت نسیم شهر، منفجر شد و در این حادثه به چند خودرو و سازه جایگاه آسیب وارد شد.

سرقت بابابند الکترونیکی

گروه حوادث/ مرد زندانی که با پایبند الکترونیکی آزاد شده بود به اتهام سرقت لوازم داخلی خودرو دوباره دستگیر شد.

سرهنگ «محسن حیدری»، رئیس کلانتری ۱۴۱ گلستان در تشریح این خبر گفت: با توجه به افزایش سرقت‌های لوازم و اموال داخل خودرو در محدوده شهر گلستان موضوع در دستور کار مأموران عملیات این کلانتری قرار گرفت و در تحقیقات محلی مشخص شد راننده و سرنشین یک خودرو سرقت‌ها را انجام می‌دهند که بازرگ‌های پلیسی با توجه به اینکه متهمان پاک خودرو را تغییر داده بودند، پلاک واقعی خودرو شناسایی و مالک خودرو به کلانتری دعوت شد. رئیس کلانتری ۱۴۱ گلستان ادامه داد: با حضور مالک خودرو به کلانتری و شناسایی وی به‌عنوان یکی از سارقان در بررسی سوابق وی مشخص شد که سارق با پایبند الکترونیکی از زندان آزاد شده و با همدستی فرد دیگری سرقت‌ها را انجام می‌دهد. متهم پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها به جرم خود مبنی بر سرقت لوازم خودرو اعتراف کرد.

حیدری با بیان اینکه متهم دستگیر شده دارای ۱۰ سابقه کیفری است در پایان افزود: تا کنون ۵ شاکی شناسایی و پرونده متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی فرستاده شد.

قطع انگشت دست بر اثر انفجار مین

گروه حوادث/ یکی از کارگران بازارچه مرزی پرویزخان بر اثر انفجار مین به جا ماندن از دوران دفاع مقدس، یک بند انگشتش را از دست داد.

سرهنگ «محمد محمدی» فرمانده انتظامی شهرستان قصر شیرین به ایرنا گفت: شخصی به مراجعه به مأموران انتظامی قصر شیرین اعلام کرد از کارگران بازارچه مرزی پرویزخان است و هنگام نشستن روی تپه‌های داخل پایانه، دستش با یک قبضه مین برخورد کرده است. در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد اصابت دست این فرد به مین هنگام نشستن روی زمین باعث انفجار شده است.

سرهنگ محمدی با بیان اینکه انفجار رخ داده منجر به آسیب دیدن هر ۲ دست کارگر بازارچه پرویزخان و قطع شدن یکی از بندهای انگشت دست چپ وی شده است، گفت: تحقیقات برای بررسی این حادثه آغاز شده است.

می‌برد با کسی که به صورت غیرعمد مرتکب مرگ کسی شده فرق دارد. در جریان پرونده آرمان و غزاله که رسانه‌های خارج از کشور بیش از حد به آن پرداختند باید گفت که مرگ هرکسی برای خانواده‌اش آزاردهنده است چه آن فرد با چوبه دار فوت کند یا کشته شود یا در تصادف جان بپازد.

وی اضافه کرد: اما باید در نظر داشته باشیم که هرچقدر مرگ این پسر برای خانواده‌اش ناراحت‌کننده بوده مرگ دختر جوان هم خانواده‌اش را داغدار کرده است. ضمن اینکه صدور حکم از سوی دادگاه به خانواده قربانی یا مقتول ارتباط و بستگی ندارد و این قاضی و محکمه است که تشخیص می‌دهد فردی متهم است یا مجرمی که باید قصاص شود بنابراین باید به حکم و اجرای آن احترام گذاشت.

ابهری در ادامه خاطرنشان کرد: پدر آرمان در فضای مجازی حرف‌هایی را مطرح کرد که دیگران هم به آن شاخ و برگ دادند و این باعث آزار و رنجش خانواده مقتول شد. یکی از موارد شائبه زنده بودن غزاله و زندگی در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بود که به زعم من کار درست و پسندیده‌ای نبود. به هر حال هیچ خانواده‌ای حاضر نیست برای انتقام فرزندش خانواده دیگری را از بین ببرد. بزرگنمایی در فضای مجازی به لحاظ رفتاری برای جامعه ما پسندیده نیست و می‌تواند الگوی بد رفتاری شود.

ایجاد تشویش در جامعه تبعات منفی دارد

امان‌الله قراپایی مقدم- جامعه شناس هم در این باره معتقد است: برخی رفتارها یک نوع مکانیسم دفاعی است و افراد تلاش می‌کنند با فرافتنی گناه را از خود دور و طوری وانمود کنند که تقصیری نداشته‌اند و عزمشان را جزم کرده‌اند تا بگویند چنین وصله‌ها و برچسب‌هایی به آنها و خانواده هایشان نمی‌چسبد. در حالی که گناهکار نشان دادن طرف مقابل یا خانواده‌اش باعث حل مشکلی نمی‌شود وقتی قتلی صورت گرفته و فضات بر اساس مدارک آن را تأیید کرده‌اند باید به اجرای قانون تن داد. وی در ادامه می‌افزاید:

چنین رفتارهایی اصولاً ایجاد ناامنی و تشویش را در جامعه تشدید می‌کند و بار روانی منفی در بر دارد. باید در نظر داشت که احترام به قانون از ملزومات زندگی اجتماعی است و ایستادن در مقابل آن تبعات متعددی به بار خواهد آورد.



امان‌الله قراپایی مقدم جامعه‌شناس



مجید ابهری آسیب‌شناس و رفتارشناس



محمد رضا زمانی علویچه وکیل پایه یک دادگستری

دیوانعالی کشور، در نهایت حکم اجرا شد. وکیل مدافع خانواده غزاله اظهار می‌کند: در پرونده‌های قتل و قصاص که جان فردی گرفته شده و قسارت است جان فرد دیگری هم گرفته شود حساسیت بسیار بالا و شرایط همانند بمب ساعتی است چراکه یک اشتباه می‌تواند بسیار مخرب باشد، بنابراین برای خفنی کردن این بمب حتماً باید افراد متخصص دست به کار شوند و دخالت افراد غیرمتخصص هرچقدر هم که دلسوز باشند، می‌توانند اثرات جبران‌ناپذیری در فرجام پرونده داشته باشند. وی در جواب این پرسش که با وجود برگزاری جلسات متعدد صلح و سازش چرا کار به قصاص کشید می‌گوید: به اعتقاد من در همه پرونده‌ها و بخصوص پرونده‌های قتل عمد، هر نوع دفاعی نمی‌تواند لزوماً دفاع درستی باشد. گاهی اوقات یک دفاع نابجا و بی‌موقع می‌تواند به ضرر موکل تمام شود. به‌طور مثال ورود خانواده آرمان به مباحثی همچون یک ترم مرخصی تحصیلی غزاله از دانشگاه، تمدید دفترچه بیمه وی و مطرح کردن شائبه زنده بودن غزاله از جمله دفاعاتی بود که به نظر بنده، در نهایت به ضرر آرمان تمام شد. یقین دارم که اگر خانواده آرمان به این مباحث ورود نمی‌کردند کار به این مرحله از اجرا نمی‌رسید. بنابراین اقدام‌های نامصحیح دفاعی باعث شد تا خانواده غزاله خود را در یک فشار نابجا و

زندان رجایی شهر و با حضور پدر آرمان، پدر غزاله و همینطور آرمان برگزار کردم اما باز هم خانواده آرمان موفق به جلب رضایت نشدند. «زمانی» وکیل خانواده غزاله در این باره که خانواده غزاله در تصمیم‌شان برای اجرای حکم چقدر جدی بودند، گفت: البته برداشت بنده این است که موکلین من همان‌طور که اعلام کرده بودند، با وجود آنکه حق‌شان قصاص متهم بود، اما از نظر قلبی تمایلی به اعدام آرمان نداشتند و بارها هم گفته بودند که اگر جسد یا آثاری از دخترشان پیدا شود از قصاص صرف‌نظر خواهند کرد. شما در نظر داشته باشید که یک‌بار قرار بود حدود دو سال قبل حکم اجرا شود و در لحظه آخر پدر و مادر غزاله مهلت یک ماهه‌ای به آرمان دادند تا وی جانی جسد یا اثری از دخترشان را نشان دهد، این مهلت دادن نشان می‌داد که اولیای دم تصمیم جدی برای اجرای حکم ندارند و تنها خواسته‌شان پیدا شدن اثری از دخترشان بود اما این اتفاق نیفتاد و در نهایت پس از تقاضای اعاده دادرسی از سوی وکلای آرمان و انجام رسیدگی مجدد از سوی دادگاه کیفری یک و

نقش مخرب دلسوزان غیر متخصص

محمد رضا زمانی علویچه - وکیل پایه یک دادگستری درباره تلاش‌هایی که برای جلب رضایت خانواده مقتول در این پرونده انجام شد می‌گوید: همه ما وکلا به لحاظ سوگندی که یاد کرده‌ایم، علاوه بر دفاع از حقوق موکلین خود با در نظر گرفتن اصل کلی دفاع از حق و عدالت، به خاطر انسانیت و وجدان نیز تلاش خواهیم کرد تا در صورت محکومیت یکی از طرفین، بسترها و زمینه‌هایی را برای ایجاد صلح و سازش بین طرفین فراهم کنیم. این پرونده هم با وجود قرار و نشیب‌هایی که داشت از این قاعده مستثنی نبود و من بالخصوص و بخصوص در این دو سال اخیر (و نیز قبل از آن) جلسات متعددی را ترتیب دادم تا شاید خانواده مقتول رضایت دهند. خود خانواده متهم شاهد هستند که با وجود آنکه وظیفه‌ای از این خصوص نداشته‌ام اما جلسات بسیار زیادی برگزار کردم که حتی دو جلسه آن تا نیمه‌های شب طول کشید اما متأسفانه شرایط لازم برای جلب رضایت اولیای دم حاصل نشد. حتی با پیشنهاد پدر آرمان دو جلسه را در

مرگ مشکوک پیرمرد

بعد از کتک‌های پرستار خانگی

گروه حوادث/ پرستار خانگی که به اتهام کتک زدن یک پیرمرد و مرگ وی بازداشت شده مدعی است به خاطر زغر زدن‌های پیرمرد او را کتک زده اما قصد قتل نداشته است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۷:۳۰ شامگاه جمعه ۱۹ آذر مرگ مشکوک مردی ۸۵ ساله در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس ساسان غلامی اعلام شد.

به‌دنبال اعلام این خبر، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد و یکی از پسران این پیرمرد به تیم تحقیق گفت: پدرم به تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرد و از آنجایی که توانایی انجام کارهایش را نداشت با یکی از شرکت‌های خدماتی تماس گرفته و مرد جوانی را به عنوان پرستار خانگی استخدام کردم.

او ادامه داد: فرامرز کارهای پدرمان را انجام می‌داد اما آدم بد اخلاقی بود و رفتار مناسبی با پدرمان نداشت تا اینکه ۱۰ روز قبل متوجه شدم که این مرد ۴۰ ساله با پدرم درگیر شده و او را به شدت کتک زده است. این درگیری در حدی بود که حال پدرم خیلی بد شد و ما مجبور شدیم او را به بیمارستان منتقل کنیم. چند روزی پدرم در بیمارستان بستری شد و پس از بهبود نسبی او را به خانه منتقل کردم، اما حال پدرم نامساعد بود تا

اینکه دیشب حالش خیلی بد شد و او را دوباره به بیمارستان منتقل کردم که ساعتی بعد تسلیم شد. حالا ما از این مرد جوان شکایت داریم و او را مامل مرگ پدرمان می‌دانیم.

به‌دنبال اظهارات مرد جوان، تحقیقات برای دستگیری فرامرز به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت ادامه یافت. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد فرامرز چند سال قبل در شهر زنجان به اتهام قتل دستگیر شده بود. طبق اسناد و مدارک موجود در پرونده فرامرز در جریان یک درگیری مقتول را همل داده بود که این

حادثه منجر به قتل و دستگیری متهم شد، اما در نهایت فرامرز موفق شده بود با جلب رضایت اولیای دم و پس از تحمل حبس از زندان آزاد شده و به تهران کوچ کند. بدین ترتیب با شناسایی فرامرز او بازداشت شد اما در تحقیقات مدعی شد که قصد قتل نداشته است. وی درباره ماجرای درگیری‌اش با پیرمرد گفت: او خیلی بد اخلاق بود و مدام گرم می‌زد و مرا اذیت می‌کرد. با کوچک‌ترین اتفاقی هم به من فحاشی می‌کرد. روز حادثه دوباره شروع به نق زدن کرد و من که از دست او بی‌شد عصبانی‌شده بودم ناخواسته او را کتک زدم اما قصدم کشتن او نبود.

با اعتراضات متهم جوان، او در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد و تحقیقات برای مشخص شدن علت اصلی مرگ و میزان تقصیر فرامرز در این حادثه به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.



۱۰۸ روز زندگی با عذاب وجدان



شدم پدر خوانده‌ام فوت کرده است. وقتی او را زانس و پلیس آمدم مرا به اتهام مظنون در قتل بازداشت کردند؛ اما بعد از چند روز پزیشکی قانونی علت مرگ او را سکت‌ه اعلام کرد و بی‌گناهی من ثابت شد و آزاد شدم. در حالی که تحقیقات به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران در پرونده مرگ مرد موتورسوار ادامه داشت، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه دریافتند اظهارات پسر جوان در مورد سرقت تلفن همراهش دروغ بوده است بنابراین بازجویی‌ها از وی ادامه پیدا کرد تا اینکه بعد از ۱۰۸ روز متهم واقعیت را بر ملا کرد و مدعی شد که ناخواسته دست به قتل زده است.

وی در توضیح این حادثه گفت: یکی از دوستانم حدود ۴ میلیون تومان به من بدهکار بود من هم به جای پولم گوشی تلفن همراهش را گرفتم و به تهران آمدم اما در اطراف ترمینال جنوب مأموران پلیس پسر جوانی را بازداشت کرده بودند که مظنون به سرقت بود. همان‌طور که متهم را سوار بر خودروشان می‌کردند، به من هم مشکوک شده و مورد بازرسی بدنی قرار دادند که با پیدا کردن دو گوشی تلفن همراه داخل جیبم شک آنها بیشتر شد. برای مأموران توضیح دادم که گوشی متعلق به دوستم است و به جای طلب ۴ و نیم میلیونی ام گرفته‌ام. مأموران با یاشار تماس گرفتند و او به تهران آمد و حقیقت را گفت و من آزاد شدم. همزمان با من پسر جوانی که او هم در ترمینال بازداشت شده بود آزاد شد و با هم دوست شدیم. روز حادثه او به بهانه اینکه در یک منطقه بیابانی در جنوب تهران ۱۵ میلیون تومان پول زیر خاک جاساز کرده است از من خواست با او به آنجا بروم اما وقتی رسیدیم او با

گروه حوادث/ پسر جوان که مدعی بود در جدال با سارقان تلفن همراهش مرتکب قتل شده ۸۰۸ روز پس از بازداشت مدعی شد به خاطر آزار و اذیت از سوی مقتول او را کشته است. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱:۳۰ شامگاه چهارشنبه ۳ شهریور امسال به‌دنبال مرگ مرد جوانی در نزدیکی بل جوادیه تحقیقات از سوی بازپرس ساسان غلامی و تیم بررسی صحنه جرم آغاز شد. پسر جوانی به نام کوروش که موضوع را به پلیس و او را زانس خبر داده بود در تحقیقات به پلیس گفت: من بلگر هستم و از شهرستان برای ملاقات با دختر مورد علاقه‌ام به تهران آمده‌ام. ساعت حدود ۱۰ شب در خیابان قدم می‌زدم که یک موتورسوار دو ترک به من نزدیک شد. موتورسواران مرا به گوشه‌ای خلوت کشانده و با تهدید گوشی تلفن همراه مرا که ۳۵ میلیون تومان قیمتش بود سرقت کردند. وقتی سوار موتور شدند تا فرار کنند، من از پشت ترک نشین موتورسیکلت را کشیدم و او تعادلش را از دست داد و روی زمین افتاد. همدستش هم فرار کرد. سارق که روی زمین افتاد از مردم کمک خواستم و او بر اثر زانس تماس گرفتم اما زمانی که امدادگران رسیدند گفتند که او فوت کرده است.

اما پس از بازداشت پسر جوان مأموران متوجه شدند وی مدتی به اتهام مظنون در قتل پدر خوانده‌اش بازداشت بوده است که وی در توضیح این ماجرا گفت: من کودک سرراهی بودم ۱۰ سالم که بود خانواده‌ای مرا به فرزندخواندگی گرفتند. مادر خوانده‌ام از روز اول با من سازگار نبود و مدام مرا اذیت می‌کرد. تا اینکه ۴ ماه قبل از آمدن به تهران مادر خوانده‌ام قهر کرد و من هم یک روز که از محل کارم به خانه برگشتم تا ناهار بخورم متوجه

بلعیدن مولا مخدر جان پسر معتاد را گرفت

گروه حوادث/ پسر معتاد وقتی متوجه شد چند نفر قصد سرقت مواد مخدر او را دارند اقدام به بلعیدن مواد کرد اما همین کار مرکش را رقم زد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، بامداد جمعه ۱۹ آذر پسر جوانی توسط دوستانش به بیمارستان منتقل شد و بلافاصله تحت درمان قرار گرفت اما حدود یک ساعت بعد تسلیم مرگ شد. با اعلام موضوع مرگ مشکوک پسر ۲۹ ساله به مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی و کسب تکلیف از بازپرس حبیب‌الله صادقی تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. عموی پسر جوان در تحقیقات گفت: برادر زاده‌ام به مواد مخدر اعتیاد داشت و شب قبل برای خرید مواد خانه را ترک کرد. دوستانش که او را به بیمارستان رسانده‌اند گفتند بدن

نیمه‌جان برادر زاده‌ام را در یکی از خیابان‌های اطراف محل زندگی مان پیدا کرده بودند. مرد میانسال ادامه داد: کسانی که شاهد ماجرا بوده‌اند گفته‌اند برادر زاده‌ام در حال عبور از خیابان بوده که چند نفر راهش را سد کرده و او را کتک زده‌اند تا مواد مخدرش را بگیرند اما در همین حین او مواد مخدری را که همراهش بوده بلعیده و بعد از خوردن ماده مخدر و ضرب و جرح حالش بد شده است. به‌دنبال اظهارات دو میانسال، به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین بازپرس جنایی دستور تحقیقات از همسایه‌ها و دوستان این پسر را صادر کرد.